

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۵	درس اول: جبران خلیل جبران
۱۲	درس دوم: مصطفی لطفی منفلوطی
۱۹	درس سوم: عبدالوهاب البیاتی
۲۶	درس چهارم: طه حسین
۳۶	درس پنجم: نزار قبّانی
۴۹	درس ششم: ابوالقاسم الشابی
۶۰	درس هفتم: أحمد مَطَر
۷۲	درس هشتم: ابن مقفّع
۸۲	درس نهم: ابن قتیبه دینوری
۹۱	درس دهم: محمد بن إدريس شافعی
۱۰۱	درس یازدهم: جاحظ
۱۱۲	درس دوازدهم: یاقوت حموی
۱۱۷	درس سیزدهم: علی بن ابی طالب (ع) (اشعار)
۱۲۴	درس چهاردهم: سعدی شیرازی
۱۳۰	درس پانزدهم: آیاتی از سورهٔ مریم
۱۳۸	درس شانزدهم: علی بن ابی طالب (ع) (نهج البلاغه)
۱۴۶	توضیحات
۱۵۰	فهرست منابع
۱۵۲	نمایهٔ موضوعی

پیشگفتار

تعیین هدف اصلی در آموزش زبان عربی همانند آموزش هر زبان دیگری از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا این کار در تمام مراحل آموزش یک زبان و مهم‌تر از همه در تهیه منابع درسی، تأثیر بسزایی دارد. بی‌گمان منابع آموزش زبان برای کسی که به قصد گردشگری و تجارت یا بهره‌گیری از فیلم‌های سینمایی به آموزش یک زبان روی می‌آورد با کسی که قصد نگارش مطالب علمی به آن زبان دارد متفاوت خواهد بود.

هدف اصلی ما از آموزش زبان عربی در رشته‌های علوم انسانی از جمله در رشته زبان و ادبیات فارسی این است که بتوانیم موارد زیر را درست بخوانیم، ترجمه کنیم، بفهمیم و در صورت لزوم به دیگران نیز بفهمانیم:

۱. آیات، احادیث، ترکیب‌ها، مثل‌ها، کنایه‌ها، ابیات عربی و خلاصه هر عبارت یا متنی عربی که در مطاوی متون فارسی آمده است از جمله ساده‌ای مثل «أنا لله برهانه» در تاریخ بیهقی گرفته تا قصیده کامل عربی سعدی در سوگ المستعصم بالله؛

۲. رسالات و کتب مهم دینی مثل قرآن مجید، نهج البلاغه، احادیث ائمه اطهار علیهم السلام و آنچه درباره تبیین و تفسیر آن‌ها عمدتاً از سوی ایرانیان در دوره‌های گذشته و عصر حاضر به نگارش درآمده است؛

۳. کتاب‌ها، رساله‌ها و دیوان‌های شعر عربی اعم از سنتی و معاصر مانند کلیله و دمنه عربی، دیوان منتهی، داستان‌های کوتاه زکریا تامر، اشعار نزار قبانی و متونی از این دست.

این هدف، هدف آسان‌یابی نیست و اگر دانشجویی حتی پس از طی موفقیت‌آمیز هر سه مقطع تحصیلات عالی خود بدان دست یابد، باید به او آفرین گفت و برخلاف تصور ناصواب رایج، نباید انتظار داشت دانشجویی که چند واحد قواعد و قرائت عربی گذرانده است بتواند به عربی مکالمه کند یا متن منقحی را به عربی بنویسد. دستیابی به این اهداف، روش آموزش و منابع درسی و کلاس‌های مخصوص خود را می‌طلبد که با روش ما در تدوین این کتاب‌ها متفاوت است. اگر بخواهیم هدف خود را در دو کلمه ساده خلاصه کنیم عبارت خواهد بود از: «فهم متن». برای دستیابی به هدف مذکور مقدمات و اقدامات متعدد و مختلفی ضرورت دارد که در آن میان آموزش قواعد و قرائت عربی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

از زمانی که درس عربی در میان دروس دانشگاهی رشته‌های علوم انسانی گنجانده شد، کتاب‌ها و درس‌نامه‌های گوناگونی با بهره‌گیری از شیوه‌های کهن و نوین در یادگیری زبان عربی پدید

آمد. در اغلب این درس‌نامه‌ها به اقتضای سرفصل‌های دانشگاهی آن روزگار، قرائت و قواعد را به صورت مجزا بررسی و برای هر کدام کتاب‌های جداگانه‌ای تدوین کرده بودند که البته در جای خود و در زمان خود ارزشمند و مفید بود. این شیوه یعنی تفکیک آموزش قواعد از قرائت در کنار مزایایی که داشت عیب بزرگش این بود که دانشجو قواعد و تقسیم‌بندی‌های پیچیده آن را با هزار زحمت به خاطر می‌سپرد و چون آن‌ها را در متن به صورت کاربردی نمی‌آموخت عملاً در رسیدن به هدف اصلی خود که همان فهم متن است موفقیت چندانی به دست نمی‌آورد و پس از مدت کوتاهی اغلب آن‌ها را به فراموشی می‌سپرد. اکنون که در سال‌های اخیر به یمن بازنگری در سرفصل‌های دروس عربی مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به آموزش قواعد در دل متون توجه ویژه‌ای شده و درس‌های قواعد و قرائت درهم ادغام گردیده است ما نیز فرصت را مغتنم شمرده و کتاب‌های درسی خود را بر همین مبنا تألیف کرده‌ایم، بنابراین در این کتاب و مجلدات دیگر آن به آموزش قواعد در دل متون پرداخته‌ایم و از همان گام اول کوشیده‌ایم نقش آموزش قواعد را در فهم متن آشکارا نشان دهیم. برای کاستن از عیب آشفته‌گی مباحث مربوط به قواعد - که لازمه اتخاذ این شیوه یعنی شیوه آموزش قواعد در دل متون است - اولاً اهم مباحث صرف و نحو را به نحوی منطقی تنظیم و در بین مجلدات مختلف این کتاب به شرح زیر تقسیم و مطرح کرده‌ایم:

کتاب اول: صرف فعل؛

کتاب دوم: صرف اسم و مباحث مربوط به حرف؛

کتاب سوم: مقدمات نحو و مرفوعات؛

کتاب چهارم: بخش عمده‌ای از منصوبات؛

کتاب پنجم: باقیمانده منصوبات و کل مجرورات؛

کتاب ششم: تجزیه و ترکیب نمونه‌های گوناگونی از نظم و نثر عربی و بیان اصول و روش کلی تجزیه و ترکیب.

و ثانیاً متن‌های موجود در هر مجلد را به گونه‌ای انتخاب و تنظیم کرده‌ایم که نظم و ترتیب مألوف قواعد در کتب معتبر صرف و نحو ملحوظ شود و قواعد هر درس در متن آن درس بیشترین کاربرد ممکن را داشته باشد و برای جلب توجه و دقت بیشتر دانشجویان به صورت مشخصی نشان داده شود. برای این منظور در متن درس‌ها از سه رنگ آبی، قرمز و سبز نیز استفاده کرده‌ایم. رنگ آبی به این معنی است که ساختار کلمات آبی در بخش قواعد همین درس بررسی شده است و رنگ قرمز به معنای آن است که دانشجویان با مباحث مربوط به ساختار آن کلمات در درس‌های پیشین آشنا شده‌اند. جاهایی که مباحث مطرح شده به سبب گستردگی در بیش از یک درس بررسی شده‌اند، کلماتی که به طور کلی به مباحث این درس مربوط است اما جزئیات بیشتر آن در درس‌های آینده بیان شده با رنگ سبز مشخص گشته‌اند، مثلاً در درس چهارم رنگ قرمز افعالی مانند «فَعَدَ» و «يَصْنَعْنَ» نشان‌دهنده آن است که قواعد مربوط به ساختار این قبیل افعال (ثلاثی مجرد) در یکی از سه درس پیشین بررسی شده است. رنگ آبی

افعالی مانند «أقبل» و «یقطع» نشان می‌دهد که قواعد مربوط به آن‌ها (ثلاثی مزید - باب‌های افعال و تفعیل) به‌طور کلی در همین درس بیان شده است و رنگ سبز افعالی مانند «تقدم» و «تنهمر» بیانگر آن است که کلیات مربوط به آن‌ها در همین درس ولی جزئیات بیشتر درباره آن‌ها (باب‌های تفعّل و انفعال) در درس‌های آتی توضیح داده شده است. در کنار تمهیدات فوق نیز برای رعایت سطح دانش عربی دانشجویان در کتاب اول و دوم نمونه‌های ساده‌ای را از متون انتخاب کرده‌ایم و از آنجا که مخاطبان اصلی این کتاب‌ها اغلب دانشجویان ادبیات هستند، در کنار متون کهن از متون ادبی معاصر نیز نمونه‌هایی را برگزیده‌ایم تا دانشجویان هم‌زمان با هر دو ادب سنتی و ادب معاصر عربی آشنا شوند. معمولاً در کتب رایج دانشگاهی، آموزش زبان عربی را از متون کهن شروع می‌کنند که به نظر ما این شیوه به رغم مزایایی که دارد ممکن است در نیل به مقصود اصلی یعنی خوانش درست و فهم متون ناکارآمد باشد. این بدان می‌ماند که نوآموز زبان فارسی برای آموزش این زبان کار خود را با خواندن دیوان خاقانی و انوری شروع کند. از این روی، در بخش نخست کتاب حاضر، متون ادبی معاصر که زبان ساده‌تری دارند گنجانده شده و بخش دوم آن به متون کهن اختصاص یافته است. در کتاب‌های بعدی که سطح دانش عربی دانشجویان ارتقا می‌یابد بهره‌گیری از متون کهن پرننگ‌تر خواهد بود.

در طرح قواعد شیوه‌های متعددی به کار می‌رود؛ مثلاً ممکن است محقق‌ی در توضیح فعل «قیل» تنها به این بسنده کند که فعل ماضی اجوف مجهول بر وزن «قیل» ساخته می‌شود و سخنی از چگونگی تغییر و تبدیل آن و قواعد حاکم بر آن به میان نیورد و یا مصدر باب استفعال در افعال معتل اجوف را بر وزن استفاله (استعاده) بداند یا اینکه درباره تبدیل «قُولُ» به «قُلُّ» در روند ساختن فعل امر از «تقول» بگوید در زبان عربی هجای «صامت + مصوت بلند + صامت» کاربرد ندارد و در این گونه هجاها مصوت بلند به مصوت کوتاه تبدیل می‌شود. ضمن اذعان به اینکه با بهره‌گیری از این مسائل یادگیری قواعد در برخی موارد آسان‌تر می‌شود، اما از آنجا که تاکنون تمامی موارد مربوط به ساختار کلمات و جملات عربی به این شیوه بررسی نشده است یا به عبارت دیگر این شیوه بررسی هنوز برای بررسی ساختار همه کلمات و جملات عربی جامعیت کافی ندارد و از طرف دیگر دانشجویان ما نیز از دوره دبیرستان با همان شیوه سنتی انس گرفته‌اند، ما نیز در این کتاب همان شیوه رایج در مدارس علمیه و دانشگاه‌های ایران را از گذشته تا اکنون به کار گرفته‌ایم؛ شیوه‌هایی که بسیاری از آن‌ها را نخستین بار ایرانیان مطرح کرده‌اند، اما با این حال از مباحث جدید نیز یکسره چشم‌پوشی نکرده‌ایم و در حاشیه برخی از صفحات به برخی از مسائل نوین نیز مختصراً اشاراتی کرده‌ایم. علاوه بر این در طرح مباحث تمامی دروس بیشتر به راه ایجاز رفته‌ایم اولاً به این سبب که دانشجویان برخی از این مباحث را در دوره دبیرستان خوانده‌اند و طرح مجدد آن‌ها به قصد مرور و یادآوری انجام شده است و ثانیاً به این سبب که مدرسان محترم بتوانند به اقتضای سطح دانش دانشجویان، خود شرح و بسط مطالب را تنظیم کنند. همچنین از طرح آراء گوناگون صرفی و نحوی پرهیز کرده‌ایم بدان سبب که معتقدیم طرح این آراء متفاوت در این مرحله نه تنها به دانشجو کمک نمی‌کند بلکه ممکن است باعث

آشناگی ذهن او نیز بشود و او را از دستیابی به هدف اصلی باز دارد، زیرا اختلاف نظر در امور جزئی مانند تقسیم‌بندی‌های مختلف گاهی آن قدر پیچیده و گسترده است که به جای تسهیل یادگیری، آن را سخت‌تر و دشوارتر می‌کند. افزون بر این، به هر نوع تقسیم‌بندی‌ای از دیدی می‌توان خُرده گرفت و در عمل، تقسیم‌بندی بی‌اشکال وجود ندارد. به‌طور کلی می‌توان گفت درباره قواعد عربی نیز همانند قواعد تمامی زبان‌های دیگر نظر واحدی در کار نیست و چنانکه گفته شد هدف ما نه بیان این اختلافات و نظرهای شاذ و نادر بلکه آموزش قواعد و قرائت به قصد فهم متن است و بس.

در تبیین قواعد از کتب مشهوری که در دانشگاه‌ها و مدارس برای آموزش زبان عربی رایج بوده بهره برده‌ایم که مشخصات آن‌ها را می‌توان در فهرست منابع ملاحظه کرد. از این بین در تشریح قواعد اعلال و برخی مسائل دیگر از کتاب *زبان قرآن* تألیف حمید محمدی بیشترین بهره را برده‌ایم. از کتاب *مبادئ العربیة* نیز استفاده‌های متعددی کرده‌ایم. زنده‌یاد دکتر عباس ماهیار نیز در تشریح صرف و نحو عربی به زبان ساده سهم بسیاری دارند که کتاب‌های ایشان نیز در تدوین برخی از مسائل مطمح نظر بوده است. برخی از متون ادبی از کتبی انتخاب شده‌اند که در تدریس درس عربی در دانشگاه‌ها معمول بوده‌اند، مانند *مجانى الحديثه و نصوص من النشر و الشعر فى العصر الحديث* و دیگر کتبی که در فهرست منابع به آن‌ها اشاره شده است. در مجلدات بعدی اندک‌اندک بر شمار متونی که دانشجویان با آن‌ها آشنایی کمتری دارند خواهیم افزود. این‌گونه انتخاب ضمن حفظ ارتباط مدرسان و دانشجویان با کتب پیشین آن‌ها را با متون تازه نیز مواجه می‌کند.

در پایان کتاب حاضر برای آشنایی دانشجویان با برخی از اصطلاحات رایج و پرکاربرد در حوزه صرف و نحو عربی بخشی را با عنوان «توضیحات» افزوده‌ایم که در آن به مباحثی نظیر همزه قطع، همزه وصل، و شدّ پرداخته شده است.

این اثر نیز ممکن است همچون بسیاری از آثار دیگر از ضعف و نقص احتمالی مبرا نباشد. نگارندگان امید آن دارند که همکاران ارجمند با راهنمایی‌های خود آنان را در کاستن از این نواقص احتمالی یاری رسانند.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین
مؤلفان